احتمال تعدد موضوع در روایت زراره و برداشت نادرست فقیه از آن

یک بار دیگر به این حدیث برگردیم، نکاتش را ببینیم. زراره می‌گوید: **«سألته عن مسألة فأجابني»**؛ از یک مسأله سؤال کردم و حضرت جواب دادند.

«ثم جاءه رجل فسأله عنها فأجابه بخلاف ما أجابني»؛ از همان مسأله سؤال کرد. زراره بالای سر ما است، اما نمی‌شود که از احتمالات بحث نکنیم. از همان مسأله سؤال کرد، یعنی امام که جواب می‌دادند، مطابق با همین ذهن شما است؟! شما یک نظر جلی‌ای به مسأله دارید. می‌گویید یک مسأله است. او هم از همان پرسید. یعنی اگر فضا بود و باز می‌شد، چه بسا حضرت می‌گفتند این‌ها دو حیث بود. همان مسأله نبود. ظاهرش یکی بود. درست است که شما فقیه هستی، اما به قدری فقه حیثیات لطیفه دارد که یک فقیه‌ی که سال‌ها کار کرده هم مخلوط می‌کند. چه برسد به بقیه. خود زراره بود که گفت چهل سال است از شما راجع به حج می‌پرسم اما هنوز می‌بینم خیلی از مسائل را نمی‌دانم. حضرت فرمودند: ای زراره! بیتی که از چهل هزار سال قبل از آدم زیارت می شده، می‌خواهی فوری مسائلش تمام شود؟! خب زراره باشد. بنابراین «سألته عن مسألة»، یک مسأله بودنش در دید زراره است. دید زراره هم به‌عنوان یک انسانی که فقیه است، وحدتی برای ایشان دارد، اما آیا در ذهن امام علیه‌السلام هم دقیقاً دو سؤال یکی بود؟ نمی‌دانیم. این اولین نکته.

نکته دیگر؛ «عن مسالة»، خب مسأله چه مسأله‌ای بود؟ در چه وادی ای بود؟ کبریات ثبوتی بود؟ موارد مدیریت امتثال بود؟ این‌ها را که ایشان نگفته است. این روایت ازاین‌جهت ابهام دارد که آن مسأله در چه زمینه‌ای بود تا امام سه جواب به او دادند.

شاگرد: در ذهن شریف شما کدام یک از این‌ها بیشتر به روایت می‌خورد؟ مثلاً یک مسأله‌ای در جامعه اتفاق افتاده بود که در یک مجلس تند تند می‌آیند و از حضرت می‌پرسند، یا اینکه هر کدام با ذهنیت‌های مختلف می‌آمدند و می‌پرسیدند؟

استاد: این احتمال از حیث حساب احتمالات ضعیف است. یعنی اینکه یک دفعه در یک روز سه نفر بیایند و یک جور بپرسند. لذا این تقویت می‌کند احتمالی را که یک چیز شده بود. لذا در السنه این سؤال مطرح بود و همه می‌آمدند و می‌پرسیدند. از نظر ریخت تناسب وحدت سؤال سائلین صدفةً؛ چون احتمال این صدفه ضعیف است، وقوع حادثه را تقویت می‌کند ولی در روایت دیگر هم برای این نظیر دارد. نظیرش چیست؟ می‌گوید به کوفه رفتم و دیدم هر کدام از شیعه در یک وقتی نماز می‌خواند. یکی عصر را بعد از ظهر می‌خواند و ... . مصداق خیلی خوبی است در اینکه این جور چیزها بوده؛ وسعت وقت نماز برای توزیع آن فضلیت از زوال تا غروب، هر کدام را یک جور دستور داده بودند.

اش‌گرد۲: زرارہ بہ‌عنوان یک فقیہ متوجہ هست... . برخی می‌گویند استحکام فتوای زرارہ از برخی از روایات بیشتر است چون به مبانی اشان بوده است.

بازبینی #1
ایجاد شده 18 آوریل 2026 12:09:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 آوریل 2026 12:10:55 توسط ... .